

سنگریزه هم می‌تواند دشمن را نابود کند

احمد عدالتیان در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، در این بخش به مرور سوره مبارک فیل می‌پردازیم که داستان تحقیر دشمنان خداوند را بازگو می‌کند. خداوند متعال در دو آیه اول این سوره می‌فرماید: «أَمْ تُرْكِي فِئَ رَيْكَ بِأُصْحَابِ الْفِيلِ، أَلَمْ يَجْعَلْ لِّكَيْدِهِمْ فِي تَضْلِيلٍ، أَيَا نَدِيدِي كَ بَرُودِ گَارَتِ بَا يَارَانِ فِيلٍ [کسانی که سوار فیل شده و برای انهدام مکه آمده بودند] چه کرد؟ آیا نیزنگشان را بی اثر نساخت؟»

این سوره به داستان پادشاهی به نام ابرهه اشاره دارد که در یمن معبدی از سنگ مرمر ساخت و دستور داد مردم آن را زیارت کنند. مردی عربی به این معبد جسارت کرد و آن پادشاه لشکری فیل سوار را به مکه آورد تا به انتقام آن جسارت، کعبه را خراب کند. خداوند نیز پرندگان را که در منقارشان سنگ‌ریزه داشتند، به‌سوی آنان فرستاد و بارش سنگ‌ریزه‌ها، لشکر ابرهه مانند کاه، خرد و نابود شدند. آن سال را عام الفیل نامیدند و پیامبر اسلام^(ص) نیز در همان سال به دنیا آمدند.

خداوند متعال در این آیات به مؤمنان دل‌گرمی می‌دهد و برای هشدار به مجرمان، یادآوری می‌کند که قهر الهی در قبال مجرمان، جلوه‌ای از ربوبیت الهی است.

نمونه‌های واضح این داستان را ما نیز در زمان خود دیده‌ایم و پس از ماجرای طیس که خداوند شن‌های کویر را مأمور زمین‌گیرکردن هواپیماهای دشمن کرد، در ماجرای اصفهان هم دیدیم که اراده الهی به مددمان آمد و دشمن را زمین‌گیر و تحقیر کرد. بنابراین باید به ادامه مسیر نبرد با دشمن خوش بین باشیم و اراده الهی را یار و یاور خود بدانیم.

مشاوره

برافراشتن پرچم علنی توحید در عالم

غلامرضایی «يَعْلَهُ شَيْخَانَهُ تَعَالَى لِلإِسْلَامِ عِلْمًا... وَوَقُّوْا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ، خُداوند سبحان آن (حج) را برای اسلام نشانه‌ای آشکار قرار داد... و رانران در همان جایگاهی که پیامبرانش ایستاده بودند، ایستادند.» (نهج البلاغه، خطبه‌ی) کلام امیرالمؤمنین^(ع) در این فراز، پرده از یک حقیقت معارفی برمی‌دارد و نگاه‌های انزواطلبانه به دین را به‌طور کامل ابطال می‌کند. تبیین ماهیت حج به‌عنوان «عَلَم، یعنی پرچم شاخص اسلام، ثابت می‌کند که دین واقعی هرگز با سکوت و گوشه‌نشینی صرف جمع نمی‌شود. پرچم در منطق وحی، وسیلهٔ تجمیع قوا، جهت‌دهی به حرکت مردم و اعلان حضور یک ساختار زنده در عالم است. ایستادن در موقف پیامبران الهی، به معنای پیوند عینی و اعتقادی مؤمنان با خط تاریخی مبارزه در برابر ظالمان زمانه است. حج به جامعه اسلامی دیکته می‌کند که دین داری واقعی، برخورداری از یک موضع شفاف اجتماعی و هم‌سویی هویدا با جبهه‌حق علیه طواغیت است. این جلوه بارز از معارف علوی نشان می‌دهد که نمادهای عبادی اسلام با حیات اجتماعی و ساختار اداره امت‌گره‌خورده‌اند و جدایی آن‌ها پوسته‌ای توخالی از مفهوم دین باقی خواهد گذاشت. این حرکت پیوسته، هویت ایمانی آحاد جامعه را صیانت می‌کند و منابعی با خاصیت شدن معارف الهی می‌شود. امتداد این تفکر اصیل علوی را امروزه در صف‌بندی قاطع امت در برابر رژیم‌های غاصب و حامیان مستکبر آن‌ها می‌توان دید؛ جایی که بی‌طرفی یا سکوت، فرار از سنگر پیامبران قلمداد می‌شود و حضور شجاعانه توده‌ها در صحنه، نشانه برافراشتن پرچم اسلام ناب و تجلی عینی ایمان بیدار و آگاه در عصر حاضر است. این حضور مصمم ثابت می‌کند که معارف و حیانی همواره زنده‌اند و توده‌های وفادار هرگز اجازه نخواهند داد عَلمِ هدایت الهی به علت عافیت‌طلبی بر زمین بیفتد.

بردار و بخوان

روایت ۴۰ ساعت سرنوشت‌ساز در سایه محراب کوفه

در میان آثار داستانی مربوط به تاریخ اسلام، آثارِی که بتوانند هم به مستندات تاریخی وفادار بمانند و هم جذابیت یک روایت داستانی را حفظ کنند، چندان پر شمار نیستند. رمان «اثیر»، نوشته احسان ناظم‌بکائی، از جمله همین آثار است، رمانی تاریخی که به یکی از مقاطع حساس و دردناک زندگی امیرالمؤمنین علی^(ع) می‌پردازد؛ فاصله کوتاه میان ضربت خوردن در محراب مسجد کوفه تا شهادت.

نویسنده در این اثر، روایتی داستانی از حدود چهل ساعت پایانی زندگی امام علی^(ع) ارائه می‌کند، ساعاتی که از ضربت خوردن حضرت در شب نوزدهم رمضان آغاز می‌شود و با شهادت ایشان پایان می‌یابد. اما نقطه قوت «اثیر» فقط در انتخاب این مقطع تاریخی نیست، بلکه در شیوه روایت آن است. داستان از زاویه دید شخصیتی کمترشناخته‌شده در تاریخ نقل می‌شود، «اثیر بن عمرو بن هانی سکونی کندی»، پزشک نامدار کوفه و مردی مسیحی که مسئولیت درمان امام علی^(ع) را برعهده می‌گیرد.

این انتخاب هوشمندانه به نویسنده امکان داده است تا با نگاهی انسانی‌تر و بی‌رونی‌تر به ماجرا بنگرد. اثیر در میانه شهری قرار گرفته که درباره علی^(ع) دچار دوگانگی عجیبی است؛ برخی او را تاح حد خدایی بالا می‌برند و برخی دیگر تکفیرش می‌کنند. در چنین فضایی، پزشک مسیحی کوفه باید هم با واقعیت تلخ زخم امام روبه‌رو شود و هم با التهاب اجتماعی شهری که سرنوشتش با حال امام گره خورده است.

ناظم‌بکائی برای نگارش این اثر به تخیل داستانی بسنده نکرده است. او با مراجعه به ده‌ها منبع معتبر تاریخی و بهره‌گیری از نظر پژوهشگران برجسته‌ای چون دکتر محمود مهدوی دامغانی، دکتر محمد حسین رجبی دوانی و استاد علی بهرامیان، تلاش کرده است روایت خود را بر پایه مستندات قابل اتکا بنا کند. همین موضوع سبب شده است «اثیر» در عین داستانی‌بودن، از پشتوانه تاریخی درخورتوجهی برخوردار باشد. در کنار این دقت تاریخی، عنصر درام نیز در کتاب به‌خوبی تقویت شده است. بهره‌گیری از تجربه نویسندگانی چون رضامیرخانی و مهرداد صدقی و همچنین همراهی شبنم وثوقی در دراماتیزه‌شدن روایت، به اثر ریتمی داستانی و خواندنی داده است. نتیجه کار رمانی است که هم مخاطب علاقه‌مند به تاریخ صدر اسلام را جذب می‌کند و هم خواننده‌ای را که به دنبال

کتاب «اثیر» با همت «واژه پرداز اندیشه»

چاپ و منتشر شده است و در نهایت تلاشی است برای روایت بخشی کوتاه اما بسیار تعیین‌کننده از تاریخ اسلام؛ پرشی از لحظاتی که با ندای جاودان «فَرِّقْ وَ رِبِّ الکُعبه» در حافظه تاریخ ماندگار شد. برای خواننده، این رمان فرصتی است تا در قالب یک روایت داستانی، فضای کوفه و حال و هوای آن روزهای پرتالهباز از نزدیک تجربه‌کند.

شکر



مهر

۵ کلید تربیتی را از امام هفتم شیعیان^(ع) بیاموزیم

نسخه امام کاظم^(ع) برای تربیت فرزند

گزارش

سمانه رضوانی خانواده، اساسی‌ترین نهاد برای پرورش انسان‌های متعهد و اخلاقی است. امام موسی کاظم^(ع) در سیره عملی خود الگویی ارزشمند از نحوه تعامل با همسر، تربیت فرزندان و مدیریت اخلاقی خانه ارائه داده‌اند. جامعه امروز ما، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند بازگشت به این سیره‌های ناب است؛ سیره‌هایی که ثابت می‌کند تربیت صحیح، بدون محبت، منطق و صبر ممکن نیست. امام کاظم^(ع) با عمل و سخن خود نشان دادند چطور می‌توان ابعاد تربیت را در نظر گرفت.



آموزش نماز از هفت‌سالگی

تربیت دینی کودکان نباید تا سن تکلیف به تأخیر بیفتد. بسیاری از والدین تصور می‌کنند تا وقتی کودک به پانزده‌سالگی نرسیده است، وظیفه‌ای در قبال نماز او ندارند. اما این نگاه کاملاً با سیره معصومان^(ع) فاصله دارد. امام موسی کاظم^(ع) در این زمینه دستورالعملی روشن و مرحله‌ای ارائه داده‌اند. حضرت فرمودند: «مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا ثِنْتِي سَنَةٍ سَبْعِ سِنِينَ»، «هنگامی که فرزندانتان به هفت‌سالگی رسیدند، آن‌ها را به نماز فرمان دهید.» دقت شود که حضرت نفرمودند آن‌ها را با زور و خشونت به نماز وادار کنید، بلکه فرمان دادن باید با محبت، تشویق و بیانی نرم باشد تا نماز را برای کودک شیرین کنید. در سیره عملی ایشان نیز نمونه‌های زیبایی از تربیت عبادی کودکان دیده می‌شود. نقل شده است که امام کاظم^(ع) در دوران کودکی بزغاله‌ای را می‌راندند و به او می‌گفتند: «اشجِیْ لِرَبِّکَ»، «برای پروردگارت سجده کن.» امام صادق^(ع) که این صحنه را مشاهده کردند، به نشانه محبت و تشویق، فرزند خود را در آغوش فرمودند: «بِأُپِی وَأُیْمَى مَنْ لَا یُلْهَوُ وَلَا یُلْغَبُ»، «پدر و مادرم فدای کسی که اهل لهو و لعب (بازی‌های بی‌هوده) نیست.» این روایت نشان می‌دهد که حتی بازی کودک نیز می‌تواند رنگ و بوی عبادت داشته باشد. اگر پدر و مادر هوشمندانه او را راهنمایی کنند، بنابراین، از هفت‌سالگی، آرام‌آرام کودک را با نماز آشنا کنیم، بدون آنکه او از دین زده شود.

محبت مساوی به فرزندان

یکی از آسیب‌های رایج در خانواده‌های چندفرزندی، محبت نابرابر به کودکان است. برخی والدین بدون آنکه توجه داشته باشند، یک فرزند را بیشتر می‌پسوند، بیشتر در آغوش می‌گیرند یا بیشتر تحویل می‌گیرند. این رفتار هرچند گاهی ناخودآگاه است، اما تأثیر عمیقی بر روحیه فرزند دیگر می‌گذارد. امام کاظم^(ع) از پدران بزرگوار خود نقل می‌کنند که روزی مردی یکی از دو فرزندش را بوسید و دیگری را بدون محبت رها کرد. پیامبر اکرم^(ص) که این صحنه را مشاهده فرمودند، با ناراحتی و اعتراض بیان کردند: «فَهَلْ سَاوَيْتَ بَيْنَهُمَا؟» یعنی چرا بین آن دو به مساوات رفتار نمی‌کنی؟

این حدیث چند نکته مهم را به والدین یادآور می‌شود. نخست آنکه ابراز محبت فیزیکی مانند بوسیدن، باید میان همه فرزندان به‌طور عادلانه تقسیم شود. دوم آنکه تبعیض در محبت، حتی اگر کوچک به نظر برسد، از نظر پیامبر اکرم^(ص) عملی ناپسند و ناراحت‌کننده است. سوم آنکه عدالت در خانواده، فقط به تقسیم ارث یا خرج و مخارج خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل نگاه، لبخند و بوسیدن نیز هست.

تحرک و شلوغی کودک را تحمل کنیم

بسیاری از والدین، به‌ویژه مادران، از پرتحرکی و شلوغی فرزندان خود گلایه دارند. گاهی این ناآرامی تا جایی پیش می‌رود که به‌کودک برچسب «بی‌ش فعال»، یا «ناهنجار» می‌زنند و او را با دارو یا سرزنش آرام می‌کنند. اما نگاه تربیتی امام کاظم^(ع) به این موضوع، نگاهی کاملاً مثبت و امیدوارکننده است. آن حضرت در سخنی زیبا و عمیق فرمودند: «تَشْتَعِبُ عِرَافَةَ الْفُطَیْنِ فِی صَغُرِهِ لِیَكُونَ خَلِیْفًا فِی کِبَرِهِ. وَتَأْتِیْنِیْ أَنْ یَكُونَ إِلا فَکَذَا.» واژه «عرامه» به معنای شلوغی، پرتحرکی و یک نوع لجاجت کودکانه است. حضرت می‌فرمایند این حالت نه تنها بد نیست، بلکه مستحب و سزاوار است. چرا؟ برای اینکه همین کودک پرجنب‌وجوش، وقتی بزرگ شود، به فردی صبور، بردبار و باحوصله تبدیل خواهد شد. سپس تأکید می‌کنند: «و جز این نباید باشد.» یعنی تحرک و شلوغی، نشانه سلامت جسمی و روانی کودک است. بنابراین، به‌جای سرزنش و خسته‌شدن، باید این ویژگی را زمینه‌ای برای رشد آینده او دانست. صبوری کنیم، انرژی کودک را به مسیر درست هدایت کنیم، و بدانیم که این دوران طوفانی، سرمایه‌ای برای آرامش آینده اوست.

بازتولید «سرمایه اجتماعی» در تداوم احیای دین

مرزبندی روشنی بین «ارزش محوری» و «قدرت محوری» ایجاد کرد. این واقعه به جامعه آموخت که معیار ارزیابی کنشگران اجتماعی، باید «تعهد به اصول اخلاقی» باشد. نه «تعلق قومی» یا «ثروت اندوخته». این تغییر چارچوب فکری، زیربنای یک تمدن عقلانی است.

پیام غدیر برای انسان امروز چنین ترجمه می‌شود، ما در عصر «بی‌اعتمادی»، زندگی می‌کنیم؛ عصری که رسانه‌ها مملو از اخبار متناقض و روابط اجتماعی شکننده‌اند. در چنین فضایی، بازخوانی غدیر دعوتی است به «شفافیت»، «پاسخگویی» و «عدالت‌توزیعی». حضرت علی^(ع) نمادمدیری است که بیت‌المال را خط قرمز اعتماد عمومی می‌دانست و نشان داد که بدون شفافیت اقتصادی، اعتماد سیاسی ممکن نیست.

بنابراین، جشن غدیر، جشن یک نام نیست؛ بلکه جشن یک «الگوی حکمرانی» و «سبک زیست اجتماعی» است. الگویی که در آن، ارتباطات انسانی بر پایه احترام متقابل و مسئولیت‌پذیری مشترک بنا می‌شود. وقتی در زندگی روزمره، امانت‌دار اعتماد دیگران باشیم، در گفت‌وگوها صادق باشیم و در برابر بی‌عدالتی سکوت نکنیم، درحال احیای سنت غدیر هستیم.

غدیر یک تاریخ گذشته نیست؛ یک «حال مستمر» است؛ جریانی زنده که از اعماق تاریخ می‌آید تا یادآوری کند، انسان بودن یعنی مسئول بودن و مراقب یکدیگر بودن. این، زیباترین تعریف از تمدن انسانی و بزرگ‌ترین میراث آن پویش آگاهی‌بخشی تاریخی است؛ جامعه‌ای سالم است که در آن «اعتماد» ارزش رایج و «عدالت» زبان مشترک همه اقشار باشد.

واژه کلیدی در این معادله، «مولی» است. درحالی‌که در ادبیات فقهی این واژه بر فرماندهی و ولایت دلالت دارد، در زبان علوم اجتماعی می‌توان آن را معادل «هم‌بستگی اجتماعی» در جوامع بزرگ و کثیرالاضطراب است. پرسش اصلی اینجااست: چگونه می‌توان میلیون‌ها انسان با سلاقی، منافع و پیشینه‌های متفاوت را حول یک محور مشترک متحد کرد؟ پاسخ‌های مدرن به این پرسش، بر مفاهیمی همچون «سرمایه اجتماعی»، «اعتماد» و «هویت جمعی» استوارند. اما جالب‌توجه آنکه اگر به واقعه «غدیر خم» نه صرفاً به عنوان یک رویداد الهیاتی، بلکه از منظر «کنش ارتباطی سرنوشت‌ساز» بنگریم، با الگویی بی‌نظیر از مهندسی سرمایه اجتماعی مواجه خواهیم شد. از این دریچه، غدیر فقط معرفی یک فرد نبود، بلکه تثبیت یک «گفتمان اعتماد» برای آینده جامعه بود.

پیامبر اسلام^(ص) در غدیر دست به اقدامی پیچیده در عرصه «انتقال معنا» زدند. ایشان آگاه بودند که جامعه نوپای اسلامی پس از رحلتشان، با بحران جانشینی روبه‌رو خواهد شد؛ بحرانی که در عمق خود، بحران «مرجعیت معنایی» است. تاریخ نشان داده است که در غیاب ساختارهای مشروع و مورد اعتماد، جوامع به سمت هر و مرج، قبیله‌گرایی و تضاد منافع سقوط می‌کنند. غدیر، تلاشی آگاهانه برای جلوگیری از این فروپاشی ارتباطی و حفظ انسجام امت بود.

یکی از دغدغه‌های بنیادین در حوزه‌های معرفتی و جامعه‌شناسی سیاسی، چگونگی شکل‌گیری و تداوم «هم‌بستگی اجتماعی» در جوامع بزرگ و کثیرالاضطراب است. پرسش اصلی اینجااست: چگونه می‌توان میلیون‌ها انسان با سلاقی، منافع و پیشینه‌های متفاوت را حول یک محور مشترک متحد کرد؟ پاسخ‌های مدرن به این پرسش، بر مفاهیمی همچون «سرمایه اجتماعی»، «اعتماد» و «هویت جمعی» استوارند. اما جالب‌توجه آنکه اگر به واقعه «غدیر خم» نه صرفاً به عنوان یک رویداد الهیاتی، بلکه از منظر «کنش ارتباطی سرنوشت‌ساز» بنگریم، با الگویی بی‌نظیر از مهندسی سرمایه اجتماعی مواجه خواهیم شد. از این دریچه، غدیر فقط معرفی یک فرد نبود، بلکه تثبیت یک «گفتمان اعتماد» برای آینده جامعه بود.

پیامبر اسلام^(ص) در غدیر دست به اقدامی پیچیده در عرصه «انتقال معنا» زدند. ایشان آگاه بودند که جامعه نوپای اسلامی پس از رحلتشان، با بحران جانشینی روبه‌رو خواهد شد؛ بحرانی که در عمق خود، بحران «مرجعیت معنایی» است. تاریخ نشان داده است که در غیاب ساختارهای مشروع و مورد اعتماد، جوامع به سمت هر و مرج، قبیله‌گرایی و تضاد منافع سقوط می‌کنند. غدیر، تلاشی آگاهانه برای جلوگیری از این فروپاشی ارتباطی و حفظ انسجام امت بود.



حسین میرشاد
کارشناس ارشد دینی و علوم ارتباطات اجتماعی

درنگ